

بازپس گیری کنترل و ترمیم امنیت هستی شناختی در برگزیت

فریما نظری صفرزاده، محمدرضا سعیدآبادی*

گروه مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: روابط بین الملل حوزه موضوعی: بریتانیا تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۹	در این مقاله، شعار «بازپس گیری کنترل» در ارتباطات سیاسی نخبگان کارزار خروج (برگزیت) بررسی شده است؛ اینکه چگونه روایتی از ترمیم امنیت هستی شناختی ساخته شد. اگرچه در توضیح های موجود درباره برگزیت بر نابرابری اقتصادی، تنش های نهادی، بدبینی به اتحادیه اروپا و واکنش فرهنگی تأکید شده است، این رویکردها به تنهایی روشن نمی کند چرا زبان «کنترل» تا این اندازه از نظر عاطفی و سیاسی اثرگذار شد. در این مقاله، با تکیه بر سازه انگاری اجتماعی، نظریه امنیت هستی شناختی و پوپولیسم، استدلال شده است «بازپس گیری کنترل» همچون چارچوبی اتصال دهنده عمل کرد که خامنی هویتی، ازدست رفتن کنترل، خیلنت نخبگان و حاکمیت مردم راجه یکدیگر پیوند داد. از نظر روش شناسی، در پژوهش از تحلیل محتوای کیفی نظریه محور بر ۴۵ متن سیاسی عمومی از چهره های برجسته کارزار برگزیت در فاصله سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶م استفاده شد. یافته ها نشان می دهد کنترل صرفاً مطالبه ای حقوقی یا اداری چارچوب بندی نشد، بلکه شرطی برای عاملیت دموکراتیک، تداوم ملی و خودحکمرانی جمعی معنا یافت. ادعاهای اقتصادی در این کارزار مطرح بود، اما زمانی نیروی اقناعی پیدا کرد که در روایت های گسترده تری از انصاف، حاکمیت و مالکیت دموکراتیک قرار گرفت. این پژوهش به غنابخشیدن به متون برگزیت کمک می کند، زیرا نشان می دهد برگزیت چگونه در قالب طرحی ترمیمی و سیاسی معنا یافت، نه صرفاً برپایه انتخابی اقتصادی یا قانون اساسی.

واژگان کلیدی:

امنیت هستی شناختی،
بازپس گیری کنترل،
برگزیت،
پوپولیسم،
تحلیل محتوای کیفی،
ترمیم هستی شناختی،
حاکمیت،
هویت.

ارجاع به این مقاله: نظری صفرزاده ف، سعیدآبادی م. (۱۴۰۴). «بازپس گیری کنترل و ترمیم امنیت هستی شناختی در برگزیت». مطالعات کشورها. ۹(۴): ۱-۲۲. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2026.416456.1567>

وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران



۱. مقدمه

تصمیم پادشاهی متحد بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا، بحث‌های گسترده‌ای را درباره بنیان‌های اقتصادی، سیاسی، نهادی و فرهنگی برگزیت مطرح کرد. در بخش مهمی از متون موجود، نتیجه همه‌پرسی از منظر عواملی مانند نابرابری منطقه‌ای، سیاست‌های ریاضتی، جهانی‌شدن، مهاجرت، رقابت‌های حزبی، بدبینی به اتحادیه اروپا و رابطه تاریخی و دوگانه بریتانیا با ادغام اروپایی توضیح داده شده است. این توضیح‌ها همچنان اهمیت دارد، اما به‌تنهایی روشن نمی‌کند چرا وعده «بازپس‌گیری کنترل» به ادعایی چنین قدرت‌مند و از نظر عاطفی اثرگذار تبدیل شد. این شعار، مسائل پیچیده قانون اساسی، اقتصادی و نهادی را در قالب روایتی ساده از فقدان و بازیابی فشرده کرد. جذابیت آن صرفاً به مطالبه‌ای فنی برای حاکمیت حقوقی یا محاسبه‌ای عقلانی از منافع اقتصادی محدود نبود؛ بلکه به اضطراب‌های گسترده‌تری درباره هویت، عاملیت دموکراتیک، تداوم ملی و احساس تعلق شکلی سیاسی بخشید. در پژوهش‌های جدیدتر نشان داده شده است برگزیت همچنان در سیاست بریتانیا با هویت، قطبی‌شدن عاطفی، پیامدهای پسابزرگزیت و اقتصاد نمادین پیوند دارد (Sobolewska & Ford, 2020; Hobolt et al., 2021; Igwe, 2022; Suckert, 2023).

در این مقاله استدلال می‌شود که شعار «بازپس‌گیری کنترل» در ارتباطات سیاسی نخبگان کارزار برگزیت، به‌مثابه روایتی از ترمیم امنیت هستی‌شناختی عمل کرد. این شعار از طریق پیوند دادن ادعاهای مربوط به ازدست‌رفتن حاکمیت، اختلال در هویت، خیلنت نخبگان و خودحکمرانی مردم، داستانی منسجم از بازسازی دموکراتیک ایجاد کرد. در این متون کارزار، برگزیت صرفاً گزینه‌ای سیاستی یا اصلاحی در قانون اساسی معرفی نشده است، بلکه مسیری برای بازیابی عاملیت، بازگرداندن تداوم، و تثبیت دوباره بریتانیا در جایگاه جامعه‌ای سیاسی و خودفرمان معنا می‌یابد. ادعاهای اقتصادی در این روایت مطرح است، اما زمانی قدرت اقناعی پیدا کرد که درون معانی گسترده‌تری از کنترل، انصاف، حاکمیت و مالکیت دموکراتیک قرار گرفت.

در این مقاله، بر این فرض سازه‌انگارانه تکیه شده است که مفاهیمی مانند حاکمیت، کنترل و دموکراسی، معنا و قدرت سیاسی خود را از طریق زبان عمومی و تفسیرهای مشترک به‌دست می‌آورد. بنابراین، حاکمیت در این مقاله نه واقعیتهای حقوقی و ثابت، بلکه ادعایی سیاسی و ساخته اجتماع بررسی می‌شود. برای توضیح

نیروی عاطفی این ادعا، سازه‌انگاری اجتماعی را با نظریه امنیت هستی‌شناختی و نظریه پوپولیسیم ترکیب کردیم. با توجه به امنیت هستی‌شناختی توضیح داده می‌شود که چرا روایت‌های اختلال، فقدان و بازیابی از نظر سیاسی اثرگذار می‌شوند، درحالی‌که پوپولیسیم نشان می‌دهد این معانی چگونه از طریق تقابل میان «مردم» و نخبگان دور یا پاسخ‌ناپذیر اخلاقی‌سازی می‌شود.

پرسش اصلی مقاله این است: در ارتباطات سیاسی نخبگان کارزار برگزیت چگونه شعار «بازپس‌گیری کنترل» روایتی از ترمیم امنیت هستی‌شناختی شد؟ به‌طور مشخص‌تر، ناامنی هویتی، ازدست‌رفتن کنترل، حاکمیت مردم و خیانت نخبگان چگونه در متون سیاسی عمومی به یکدیگر پیوند خوردند تا برگزیت طرحی ترمیمی برای بازیابی دموکراتیک و ملی معنا یابد؟ این پرسش‌ها تمرکز مقاله را از توضیح رفتار فردی رأی‌دهندگان، به‌سوی بررسی الگوهای معنایی تکرارشونده در ارتباطات سیاسی نخبگان سوق می‌دهد. هدف در این مقاله این نیست که ادعا کنیم ارتباطات کارزار به‌تنهایی نتیجه همه‌پرسی را رقم زد، بلکه نشان می‌دهیم شرایط اقتصادی، نهادی و اجتماعی چگونه در زبان سیاسی کارزار برگزیت تفسیر، اخلاقی‌سازی و به روایتی اقناع‌کننده از بازیابی کنترل تبدیل شد. از نظر روش‌شناسی، در مقاله از تحلیل محتوای کیفی نظریه‌محور ۴۵ متن سیاسی عمومی چهره‌های برجسته کارزار برگزیت در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶م استفاده شد. اگرچه در مقاله زبان سیاسی و فرایند معنا‌سازی بررسی شده است، روش در آن تحلیل گفتمان نیست؛ بلکه هدف آن است که مضامین کدگذاری‌شده و الگوهای تفسیری تکرارشونده در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و اظهارات عمومی شناسایی شود. توجه ویژه مقاله به این است که «کنترل» چگونه همچون مفهومی واسطه عمل کرد: مرزها را به هویت، قانونگذاری را به دموکراسی، مشارکت مالی را به انصاف، و خروج از اتحادیه اروپا را به اطمینان عاطفی پیوند داد.

این مقاله سه سهم اصلی دارد. نخست، به غنابخشیدن به متون برگزیت کمک می‌کند تا نشان داده شود اثرگذاری شعار «بازپس‌گیری کنترل» را نمی‌توان صرفاً با توضیحات اقتصادی یا نهادی فهمید. دوم، به‌لحاظ نظری، با ترکیب سازه‌انگاری اجتماعی، امنیت هستی‌شناختی و پوپولیسیم توضیح داده شده است که چگونه صورت‌بندی حاکمیت در ارتباطات سیاسی به‌صورت نوعی ترمیم امنیت هستی‌شناختی عمل می‌کند. سوم، به‌لحاظ تجربی نشان داده شده است که

طرفداران برگزیت چگونه ناامنی هویتی، ازدست‌رفتن کنترل، خیلنت‌نخبگان و حاکمیت مردم را در ساختاری روایی به هم پیوند زدند؛ ساختاری که برگزیت را نه چون گسست، بلکه چون بازگشت و بازسازی معنا کرد.

در بخش بعدی، متون مرتبط با برگزیت، حاکمیت، پوپولیسم و ناامنی هستی‌شناختی را مرور می‌کنیم. سپس، چارچوب نظری مقاله مطرح و مفهوم ترمیم هستی‌شناختی توضیح داده می‌شود. در بخش روش‌شناسی، رویکرد تحلیل محتوای کیفی و پیکره‌متون کارزار برگزیت معرفی شده است. در بخش تحلیل، سه الگوی اصلی را بررسی می‌کنیم: ازدست‌رفتن کنترل و ناامنی هستی‌شناختی، حاکمیت پوپولیستی و خیانت نخبگان، و «بازپس‌گیری کنترل» به‌منزله روایتی ترمیمی.

۲. پیشینه

در متون موجود درباره برگزیت، توضیح‌های متنوعی برای تصمیم پادشاهی متحد بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا مطرح شده است. در بخش مهمی از این متون، بر عوامل اقتصادی، ساختاری، سیاسی و نهادی تمرکز شده است؛ ازجمله نابرابری منطقه‌ای، جهانی‌شدن، سیاست‌های ریاضتی، مهاجرت، بدبینی به اتحادیه اروپا، رقابت‌های حزبی، و تنش‌های دیرینه میان سنت قانون اساسی بریتانیا و فرایند ادغام اروپایی. این رویکردها همچنان اهمیت دارد، زیرا برگزیت را نمی‌توان از شرایط اقتصادی نابرابر، رابطه تاریخی و دوگانه بریتانیا با اتحادیه اروپا، یا سیاسی‌شدن موضوع عضویت در اتحادیه اروپا جدا کرد.

بر پایه توضیح‌های اقتصادی و ساختاری، حمایت از خروج تا حدی با تجربه افول صنعتی، رقابت وارداتی، ناامنی اقتصادی و سیاست‌های ریاضتی پیوند دارد. کولانتون و استانیگ حمایت از خروج را با تأثیرات نابرابر جهانی‌شدن و رقابت تجاری مرتبط می‌دانند (Colantone & Stanig, 2018)، درحالی‌که بکر و همکاران نقش سیاست‌های ریاضتی و کاهش خدمات عمومی را در تقویت رأی اعتراضی برجسته می‌کنند (Becker et al., 2017). برون و همکاران نیز نشان می‌دهند که منافع ادغام اقتصادی در بریتانیا به‌طور نابرابر توزیع شده بود (Born et al., 2019). با این توضیحات به‌تنهایی نمی‌توان روشن کرد که چگونه نارضایتی‌های اقتصادی در ارتباطات کارزار برگزیت به روایتی عاطفی از «کنترل ازدست‌رفته» تبدیل شد.

در مطالعات جدیدتر نیز نشان داده شده است اقتصاد و هویت را نباید دو

توضیح کاملاً جداگانه فهمید. سوکرت با مفهوم «نوستالژی اقتصادی» نشان می‌دهد که ادعاهای اقتصادی در کارزار برگزیت می‌توانست حامل معانی هویتی، سنتی و احساسی باشد (Suckert, 2023). این نکته در مقاله حاضر اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد وعده‌های اقتصادی کارزار برگزیت فقط به محاسبه هزینه و منفعت محدود نبود، بلکه درون روایت‌های گسترده‌تری از انصاف، مالکیت دموکراتیک و بازیابی ملی معنا پیدا کرد.

در کنار اقتصاد، متون مربوط به هویت و شکاف‌های فرهنگی در فهم برگزیت نقش مهمی داشته است. هوبولت بر این باور است که هویت ملی، سن و تحصیلات از عوامل مهم در شکل‌دهی به ترجیحات رأی‌دهندگان بوده است (Hobolt, 2016). اینگلهارت و نوریس نیز برگزیت را بخشی از واکنش فرهنگی گسترده‌تر علیه تغییرات اجتماعی، مهاجرت و ارزش‌های پسامادی می‌دانند (Inglehart & Norris, 2016). در پژوهش‌های جدیدتر، سوبولوسکا و فورد نشان داده‌اند که شکاف‌های مرتبط با هویت، مهاجرت، تنوع و ارزش‌های اجتماعی ریشه‌های عمیقی در سیاست بریتانیا داشته است و در همه‌پرسی ۲۰۱۶م به‌طور سیاسی بسیج شدند (Sobolewska & Ford, 2020). هوبولت، لیپر و تیلی نیز نشان دادند هویت‌های مرتبط با برگزیت پس از همه‌پرسی به منبعی مهم برای قطبی‌شدن عاطفی تبدیل شد (Hobolt et al., 2021). در این مطالعات تأکید شده است برگزیت صرفاً واکنشی اقتصادی نبود، بلکه با احساس تعلق، مرزبندی هویتی و تصور از «ما» و «آن‌ها» پیوند داشت.

در متون سیاسی و نهادی، برگزیت در چارچوب رابطه دیرینه و دوگانه بریتانیا با ادغام اروپایی قرار می‌گیرد. در پژوهش‌ها درباره رابطه بریتانیا و اتحادیه اروپا بر اهمیت حاکمیت پارلمانی، بدبینی به اتحادیه اروپا، شکاف‌های حزبی و سیاسی شدن داخلی ادغام اروپایی تأکید شده است (Schütze, 2020; Taggart & Szczerbiak, 2018). دادو استدلال می‌کند که نخبگان سیاسی بریتانیا بارها روایت «بیرون‌بودگی» از اروپا را بازتولید کرده‌اند (Daddow, 2015). ایوانز و منون نیز نشان می‌دهند بحث درباره اقتدار بروکسل به تدریج از اختلافی فنی فراتر رفت و به منازعه‌ای اخلاقی درباره خودحکمرانی ملی و دموکراسی تبدیل شد (Evans & Menon, 2017). در این مطالعات، شرایط سیاسی و نهادی برگزیت توضیح داده شده است، اما کمتر بدین توجه شده است که این شرایط چگونه در بطن کارزار برگزیت به زبان احساسی و ترمیمی «کنترل» تبدیل شد.

مفهوم حاکمیت نیز در متون برگزیت جایگاه مرکزی دارد. رویکردهای قانون اساسی نشان می‌دهد که اصل حاکمیت پارلمان، عضویت در اتحادیه اروپا را برای بخشی از سیاست بریتانیا حساس و مناقشه‌برانگیز می‌ساخت (Ewing, 2017; Gordon, 2016). آگنیو نشان می‌دهد وعده «بازپس‌گیری کنترل» بر تصویری سرزمینی از حاکمیت تکیه داشت که در آن کنترل بر مرزها و تصمیم‌گیری داخلی، بازیابی کامل اقتدار ملی بازنمایی می‌شد (Agnew, 2020). کیتینگ نیز تأکید می‌کند که برگزیت مسئله حاکمیت را حل نکرد، بلکه تنش‌های سرزمینی و قانون اساسی در درون بریتانیا را آشکارتر ساخت (Keating, 2021). بنابراین، حاکمیت در کارزار برگزیت واقعیت حقوقی ساده و تثبیت‌شده‌ای نبود، بلکه مفهومی مناقشه‌برانگیز، سیاسی‌سازی‌شده و نمادین بود.

پوپولیسم نیز دریچه مهمی برای فهم کارزار برگزیت فراهم می‌کند. مود پوپولیسم را ایدئولوژی نازک‌مرکزی می‌داند که جامعه را به دو گروه متخاصم «مردم پاک» و «نخبگان فاسد» تقسیم می‌کند. در زمینه برگزیت، این منطق به تبدیل حاکمیت به ادعایی اخلاقی کمک کرد (Mudde, 2004). ایتول و گودوین نشان می‌دهند که پوپولیسم ملی اغلب از احساس طرد، بی‌صدایی و بی‌اعتمادی به نخبگان نیرو می‌گیرد (Eatwell & Goodwin, 2018). در جریان کارزار برگزیت، اتحادیه اروپا، بوروکراسی بروکسل، کارشناسان و نخبگان سیاسی داخلی بارها در برابر «مردم» قرار گرفتند. در نتیجه، از دست‌رفتن حاکمیت نه فقط مسئله‌ای حقوقی، بلکه روایتی از خیانت، طرد و ضرورت بازیابی صدای دموکراتیک شد.

بر مبنای نظریه امنیت هستی‌شناختی توضیح داده می‌شود چرا چنین روایت‌هایی از نظر عاطفی اثرگذار می‌شوند. گیدنز امنیت هستی‌شناختی را به نیاز به داشتن احساسی پایدار از خویشستن و تداوم پیوند می‌دهد (Giddens, 1991). میتزن این بحث را به کنشگران و جوامع سیاسی بسط می‌دهد (Mitzen, 2006). کینوال نیز نشان می‌دهد که با روایت‌های پوپولیستی می‌توان به مرزبندی و تأیید هویت به ناامنی هستی‌شناختی پاسخ داد (Kinnvall, 2018). این دیدگاه برای فهم برگزیت اهمیت دارد، زیرا شعار «بازپس‌گیری کنترل» بیش از مطالبه‌ای نهادی بود؛ این شعار وعده می‌داد اختلال، ناامنی و عدم قطعیت از طریق بازگشت کنترل، حاکمیت و خودحکمرانی ملی ترمیم می‌شود.

در مجموع، متون موجود نشان می‌دهد که برگزیت حاصل تعامل نارضایتی اقتصادی، تعارض نهادی، سیاست هویتی، منازعه حاکمیت، بسیج پوپولیستی و

نامنی بود. بااین حال، همچنان لازم است توضیح داده شود که این عناصر چگونه در کارزار برگزیت در قالب روایتی واحد به هم پیوند خوردند. در این مقاله، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی نظریه محور نشان می‌دهیم که شعار «بازپس‌گیری کنترل» این عناصر را در قالب روایتی از ترمیم امنیت هستی‌شناختی سازمان‌دهی کرد و برگزیت را طرحی برای بازیابی خویشتن سیاسی و ملی معنا بخشید، نه صرفاً انتخابی اقتصادی یا بر مبنای قانون اساسی.

۳. چارچوب نظری

در این مقاله چارچوب نظری تلفیقی به کار رفته است که سازه‌انگاری اجتماعی، امنیت هستی‌شناختی و پوپولیسم در توضیح چگونگی تبدیل شدن شعار «بازپس‌گیری کنترل» به معنایی سیاسی و اقناع‌کننده در کارزار برگزیت به هم پیوند خوردند. این رویکردها توضیحی جداگانه در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه به‌مثابه درگاه‌های تحلیلی مرتبط با یکدیگر به کار می‌روند. با سازه‌انگاری اجتماعی توضیح داده می‌شود که مفاهیمی مانند حاکمیت، کنترل، ملت و اقتدار دموکراتیک چگونه از طریق معانی مشترک و زبان عمومی تولید می‌شود. امنیت هستی‌شناختی نشان می‌دهد که چرا روایت‌های فقدان، عدم قطعیت و بازیابی از نظر عاطفی اثرگذار می‌شود. با استناد به پوپولیسم نیز توضیح داده می‌شود این معانی چگونه از طریق تقابل میان «مردم» و نخبگان دور یا فاسد، اخلاقی‌سازی می‌شود. در کنار یکدیگر، این درگاه‌ها امکان می‌دهند شعار «بازپس‌گیری کنترل» نه صرفاً شعاری سیاسی، بلکه روایتی از ترمیم امنیت هستی‌شناختی فهمیده شود؛ روایتی که وعده بازیابی عاملیت، تداوم و خودحکمرانی دموکراتیک را به جامعه‌ای سیاسی می‌داد که در اثر ادغام اروپایی دچار بی‌ثباتی و آشفتگی تصویر شده بود.

۱.۳. سازه‌انگاری اجتماعی و حاکمیت به‌مثابه معناسازی

سازه‌انگاری اجتماعی بنیان نظری اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. برخلاف رویکردهایی که در آن منافع و هویت‌های سیاسی مستقل از تفسیر در نظر گرفته می‌شود، با استفاده از سازه‌انگاری استدلال می‌شود که واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی از طریق معانی مشترک، تعامل و زبان تولید می‌شود (Berger & Luckmann, 1966; Wendt, 1992; 1999). در روابط بین‌الملل، ونت نشان داد که هویت‌ها و منافع کنشگران از طریق تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد

(Wendt, 1992). او این استدلال را بسط و نشان داد که هویت، منافع و رفتارهای سیاسی در بستر معانی مشترک و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد (Wendt, 1999). این دیدگاه، رویکردهایی را به چالش می‌کشد که در آن ترجیح‌های دولت ثابت یا صرفاً مادی فرض می‌شود.

این دیدگاه برای فهم برگزیت اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بحث همه‌پرسی فقط درباره‌ی هزینه‌ها و منافع نهادی عضویت در اتحادیه‌ی اروپا نبود. برگزیت همچنین، منازعه‌ای بر سر معنای بریتانیا، اروپا، حاکمیت و اقتدار دموکراتیک بود. «کنترل» معنایی واحد و بدیهی نداشت. در کارزار برگزیت، این مفهوم بارها با قانونگذاری، مرزها، پول، مهاجرت، دموکراسی و حق تعیین سرنوشت ملی پیوند خورد. با این تکرار، کنترل به نمادی سیاسی و فشرده تبدیل شد که نگرانی‌های متفاوت را در قالب ادعایی واحد درباره‌ی بازیابی ملی سازمان‌دهی کرد.

بنابراین، در این مقاله، حاکمیت نه صرفاً واقعیتی حقوقی و ثابت، بلکه مفهومی ساخته‌ی اجتماع و سیاسی‌سازی‌شده بررسی می‌شود. آنوف استدلال می‌کند که واقعیت سیاسی از طریق قواعد، زبان و معانی مشترک ساخته می‌شود (Onuf, 1989). این دیدگاه برای تحلیل برگزیت مفید است، زیرا کنشگران کارزار برگزیت صرفاً حاکمیت را وضعیتی نهادی توصیف نکردند؛ بلکه آن را چیزی ساختند که به مردم بریتانیا تعلق دارد و اتحادیه‌ی اروپا از آنان گرفته یا جلبه‌جا کرده است. در نتیجه، حاکمیت به‌منزله‌ی مالکیت مردم، حق دموکراتیک و حق اخلاقی جامعه‌ای سیاسی برای حکمرانی بر خود چارچوب‌بندی شد.

۲.۳. امنیت هستی‌شناختی و ترمیم هستی‌شناختی

اگر با استفاده از سازه‌انگاری اجتماعی بتوان توضیح داد که معانی چگونه تولید می‌شوند، با استناد به نظریه‌ی امنیت هستی‌شناختی می‌توان توضیح داد چرا برخی معانی به‌لحاظ عاطفی قدرت‌مند می‌شوند. امنیت هستی‌شناختی به نیاز به داشتن احساسی پایدار از خویشستن، تداوم و نظم اشاره دارد (Giddens, 1991). در روابط بین‌الملل، میتزن این ایده را به جوامع سیاسی گسترش می‌دهد و استدلال می‌کند که کنشگران به‌دنبال روایت‌ها و روال‌های پایداری هستند که به آن‌ها امکان می‌دهد هویتی منسجم را در طول زمان حفظ کنند (Mitzen, 2006). هنگامی که در این روایت‌ها اختلال پدید آید، کنشگران ممکن است با ناامنی هستی‌شناختی مواجه شوند؛ وضعیتی که در آن تداوم و انسجام خویشستن نامطمئن می‌شود.

در برگزیت، نظریه امنیت هستی‌شناختی کمک می‌کند توضیح دهیم چرا شعار «بازپس‌گیری کنترل» فراتر از محاسبه اقتصادی اثرگذار شد. در ارتباطات کارزار برگزیت، اغلب عضویت در اتحادیه اروپا منشأ ازدست‌رفتن کنترل، فرسایش دموکراتیک، اختلال فرهنگی، عدم قطعیت آینده و کاهش عاملیت ملی تصویر شد. این مضامین صرفاً اختلاف‌های سیاسی را توصیف نمی‌کند، بلکه روایتی می‌سازد که در آن بریتانیا جامعه‌ای سیاسی بازنمایی می‌شد که تولنایی عمل کردن، تصمیم‌گرفتن و شناختن خود را از دست داده یا تضعیف شده است. در برابر این وضعیت، خروج از اتحادیه اروپا نه فقط عقب‌نشینی نهادی، بلکه راهی برای بازگرداندن انسجام و جهت‌مندی خویشتن معرفی شد.

در این مقله، برای توصیف این کارکرد بازسازنده از اصطلاح «ترمیم هستی‌شناختی» استفاده شده است. منظور از ترمیم هستی‌شناختی در اینجا، روایتی سیاسی است که به ناامنی ادراک‌شده پاسخ می‌دهد و وعده بازیابی تداوم، عاملیت و فهم جمعی از خویشتن را می‌دهد. این اصطلاح به این معنا نیست که چنین ترمیمی پس از برگزیت واقعاً محقق شد؛ بلکه نشان می‌دهد ارتباطات کارزار برگزیت چگونه برگزیت را راه‌حل اختلال ادراک‌شده بازنمایی کرد. شعار «بازپس‌گیری کنترل» روایتی از ترمیم هستی‌شناختی عمل کرد، زیرا عدم قطعیت را به وعده‌ای برای بازسازی تبدیل کرد: کنترل بازگردانده می‌شد، مرزها مدیریت می‌شد، قوانین در داخل کشور وضع می‌شد، و مردم صدای دموکراتیک خود را دوباره به دست می‌آوردند.

نظریه کینوال (Kinnvall, 2018) از آن نظر مهم است که نشان می‌دهد با روایت‌های پوپولیستی می‌توان از طریق مرزبندی و تأیید هویت به ناامنی هستی‌شناختی پاسخ داد. در ارتباطات برگزیت، مرزهایی میان بریتانیا و اروپا، مردم و نخبگان، و خودحکمرانی ملی و اقتدار خارجی ترسیم شد؛ مرزهایی که برگزیت را وعده نظم و بازیابی تثبیت کردند.

۳.۳. حاکمیت پوپولیستی: مردم، نخبگان و بازسازی دموکراتیک

پوپولیسم سومین منظر نظری این مقاله است. مود پوپولیسم را ایدئولوژی نازک‌مرکزی تعریف می‌کند که جامعه را به دو گروه متخاصم تقسیم می‌کند: «مردم پاک» و «نخبگان فاسد»؛ و ادعا می‌کند که سیاست باید بیانگر اراده عمومی مردم باشد (Mudde, 2004). در کارزار برگزیت، این منطق برای چارچوب‌بندی حاکمیت اهمیت مرکزی داشت. حاکمیت فقط اصلی در قانون

اساسی مطرح نشد؛ بلکه چیزی اخلاقی‌سازی شد که توسط نخبگان دور، پاسخ‌ناپذیر و خودمحور از مردم عادی گرفته شد.

در این چارچوب‌بندی پوپولیستی توضیح داده می‌شود چرا «بازپس‌گیری کنترل» به چیزی بیش از شعاری دربارهٔ صلاحیت حقوقی تبدیل شد. این شعار روایتی اخلاقی ساخت که در آن مردم بریتانیا منبع مشروع اقتدار معرفی شدند، درحالی‌که نهادهای اتحادیهٔ اروپا و نخبگان سیاسی داخلی موانعی در برابر خودحکمرانی دموکراتیک تصویر شدند. در متون پوپولیسم ملی تأکید می‌شود چنین درخواست‌های تجدیدنظری زمانی قدرت می‌گیرد که حاکمیت را به خیانت، طرد و بازیابی صدا پیوند دهد (Eatwell & Goodwin, 2018). در ارتباطات کارزار برگزیت، این ساختار از طریق ادعاهای تکرارشونده دربارهٔ بوروکراسی بروکسل، مقام‌های غیرمنتخب، فریب سیاسی، غرور کارشناسان و ضرورت بازگرداندن تصمیم‌گیری به مردم ظاهر شد.

پوپولیسم همچنین، مستقیماً به امنیت هستی‌شناختی متصل است. بلاغت پوپولیستی با مشخص کردن اینکه «مردم» چه کسانی هستند و چه کسانی اقتدار آنان را تهدید می‌کنند، نقشه‌ای اخلاقی و ساده‌شده از منازعهٔ سیاسی ارائه می‌دهد. این بلاغت اضطراب‌های پراکنده دربارهٔ جهانی‌شدن، مهاجرت، فاصلهٔ نهادی و تغییر اجتماعی را به داستانی روشن‌تر از سلب مالکیت و بازیابی تبدیل می‌کند: مردم کنترل را از دست داده‌اند؛ نخبگان آن را گرفته یا واگذار کرده‌اند؛ برگزیت آن را بازمی‌گرداند. این روایت لازم نیست پیچیدگی فنی حاکمیت را حل کند. قدرت اقناعی آن در توانایی آن برای تبدیل پیچیدگی به وضوح اخلاقی نهفته است.

در این چارچوب، ملی‌گرایی نظریهٔ توضیحی مستقلى در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه منبعی نمادین است که از طریق آن مردم‌بودگی، تعلق و حاکمیت بیان می‌شود. مفهوم ملت به‌منزلهٔ «جامعه‌ای خیالی» را اندرسون (Anderson, 1983) مطرح کرد و اسمیت (Smith, 1998) تأکید می‌کند به حافظهٔ تاریخی و نمادهای فرهنگی کمک می‌کند تا توضیح دهیم ارجاع به استثنائگرایی بریتانیایی، حاکمیت پارلمانی و استقلال تاریخی چگونه حاکمیت مردم را از نظر عاطفی معنادار کرد.

بنابراین، چارچوب نظری این مقاله را می‌توان چنین خلاصه کرد: با استفاده از سازه‌انگاری اجتماعی می‌توان توضیح داد حاکمیت و کنترل چگونه به‌عنوان

معانی سیاسی تولید می‌شود؛ با استفاده از امنیت هستی‌شناختی می‌توان توضیح داد چرا روایت‌های فقدان و بازیابی از نظر عاطفی اثرگذار می‌شود؛ با استفاده از پوپولیسم می‌توان توضیح داد این معانی چگونه از طریق تقابل مردم و نخبگان اخلاقی‌سازی می‌شود؛ و هویت ملی زمینه نمادینی را فراهم می‌کند که این ادعاها در آن تثبیت می‌شود. در کنار یکدیگر، این دیدگاه‌ها همسو با ادعای اصلی مقاله است: شعار «بازپس‌گیری کنترل» با پیوند دادن حاکمیت از دست‌رفته، ناامنی هویتی، خیانت نخبگان و خودحکمرانی مردم، همچون روایتی از ترمیم امنیت هستی‌شناختی عمل کرد؛ روایتی ترمیمی درباره بازیابی دموکراتیک و ملی.

۴. روش‌شناسی

در این مقاله، از تحلیل محتوای کیفی نظریه‌محور در بررسی چگونگی ساخته شدن شعار «بازپس‌گیری کنترل» به‌منزله روایتی ترمیمی در ارتباطات سیاسی نخبگان کارزار برگزیت استفاده شد. رویکرد پژوهش تفسیری-سازه‌انگارانه است؛ به این معنا که مفاهیمی مانند حاکمیت، کنترل، هویت و اقتدار دموکراتیک مقوله‌هایی ثابت و بدیهی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه از طریق زبان عمومی، تکرار معنایی و تفسیرهای مشترک ساخته می‌شود (Blaikie, 2010; Berger & Luckmann, 1966).

داده‌های پژوهش شامل ۴۵ متن سیاسی عمومی از چهره‌های برجسته و طرفدار برگزیت در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶م است. این متون سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و اظهارات عمومی سیاستمداران وابسته به حزب محافظه‌کار، حزب استقلال بریتانیا (UKIP)^۱ و کارزار کارگران حامی برگزیت را شامل می‌شود. بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶م به این دلیل انتخاب شد که از یک‌سو سال‌های پیش از رسمی شدن همه‌پرسی را پوشش می‌دهد؛ یعنی دوره‌ای که بحث درباره حاکمیت، عضویت در اتحادیه اروپا و کنترل سیاسی در میان نخبگان طرفدار خروج شدت گرفت. از سوی دیگر، سال ۲۰۱۶م نقطه اوج کارزار رسمی همه‌پرسی و تثبیت شعار «بازپس‌گیری کنترل» به‌عنوان پیام اصلی کارزار برگزیت بود. بنابراین، در این بازه می‌توان تحول و تکرار معانی مرتبط با کنترل، حاکمیت، هویت و خیلنت نخبگان را پیش از همه‌پرسی و در جریان کارزار بررسی کرد.

نمونه‌گیری به‌طور هدفمند انجام شد، زیرا هدف پژوهش دستیابی به

1. United Kingdom Independence Party

نماینده‌گی آماری نیست، بلکه تفسیر الگوهای معنایی تکرارشونده در متونی است که مستقیماً با پرسش مقاله ارتباط دارد. متن‌ها زمانی وارد پیکره شد که به‌طور روشن با موضوع‌هایی مانند حاکمیت، کنترل، هویت ملی، مهاجرت، پاسخگویی دموکراتیک، نخبگان سیاسی، اتحادیه اروپا و آینده بریتانیا درگیر بود. اطلاعات کلی پیکره متون در جدول پ ۱ و پ ۲ در پیوست آمده است.

فرایند تحلیل در سه مرحله انجام شد. نخست، بر اساس چارچوب نظری مقاله، مقوله‌های اولیه کدگذاری به‌طور قیاسی طراحی شد. این مقوله‌ها ناامنی هویتی، ازدست‌رفتن کنترل، حاکمیت مردم، خیانت نخبگان، چارچوب‌بندی حاکمیت/کنترل، نارضایتی اقتصادی و روایت‌های ترمیمی را شامل می‌شد. دوم، متن‌ها دقیق خوانده و کدها بر بخش‌های معنادار متن اعمال شد. واحد کدگذاری ممکن بود جمله، عبارت یا بخشی از متنی باشد که معنای سیاسی مشخصی را منتقل می‌کرد. سوم، کدها با یکدیگر مقایسه شد تا الگوهای تکرارشونده و پیوندهای تحلیلی میان آن‌ها مشخص شود. در مواردی که بخشی از متن چند کارکرد معنایی داشت، هم‌پوشانی کدها مجاز بود؛ به‌طور مثال، یک جمله می‌توانست هم‌زمان به «ازدست‌رفتن کنترل»، «خیانت نخبگان» و «حاکمیت مردم» مربوط باشد.

لازم است روشن کنیم در این مقاله، تحلیل گفتمان روش رسمی پژوهش استفاده نشد. اگرچه در مقاله زبان سیاسی و فرایند معناسازی بررسی شده است، روش تحلیل محتوای کیفی نظریه‌محور اعمال شد. تمرکز تحلیل بر شناسایی مضامین کدگذاری‌شده، فراوانی نسبی برخی کدهای اصلی، و پیوندهای تفسیری میان مقوله‌ها در متون منتخب است. بنابراین، هدف مقاله نه توضیح رفتار فردی رأی‌دهندگان است و نه اثبات رابطه علی مستقیم میان ارتباطات کارزار و نتیجه همه‌پرسی. هدف اصلی این است که نشان دهیم ارتباطات سیاسی نخبگان کارزار برگزیت چگونه معانی هویت، ناامنی، حاکمیت و خیانت را حول شعار «بازپس‌گیری کنترل» سازمان‌دهی کرد و برگزیت را طرحی برای بازیابی دموکراتیک و ملی معنا بخشید.

۵. تحلیل و بحث

تحلیل محتوای کیفی نشان داد که شعار «بازپس‌گیری کنترل» در ارتباطات سیاسی کارزار برگزیت، سه کارکرد اصلی داشت. نخست، عضویت در اتحادیه اروپا

وضعیت «ازدست رفتن کنترل» چارچوب بندی شد؛ دوم، این فقدان کنترل از طریق تقابل میان «مردم» و «نخبگان» اخلاقی سازی می شد؛ و سوم، برگزیت راهی برای ترمیم ناامنی، بازیابی حاکمیت و بازسازی خودحکمرانی ملی معرفی می شد. بنابراین، یافته ها نشان می دهد که شعار «بازپس گیری کنترل» صرفاً شعاری انتخاباتی نبود، بلکه چارچوبی اتصال دهنده بود که نارضایتی های اقتصادی، دغدغه های هویتی، ادعاهای حاکمیت و روایت های خیانت را در قالب روایتی ترمیمی سازمان دهی می کرد.

جدول ۱. فراوانی منتخب کدهای مرتبط با استدلال مقاله

کد	فراوانی
حاکمیت مردم	۱۰۶
حق تعیین سرنوشت ملی	۱۰۲
اتحادیه اروپا، نهادی ناکارآمد/ آشفته	۱۰۲
وعده بازیابی اقتصادی	۹۸
اتحادیه اروپا، نهادی غیردموکراتیک	۸۹
نخبگان فاسد/ دور از مردم	۸۸
روایت بحران	۸۷
خیانت سیاسی	۷۸
استثناگرایی بریتانیایی	۷۴
اضطراب آینده	۷۰
ازدست رفتن حاکمیت حقوقی	۷۰
کنترل مرزها/ حاکمیت سرزمینی	۶۶
چارچوب بندی تهدید	۶۳
ازدست رفتن کنترل	۵۷

فراوانی کدها در اینجا شاخصی توصیفی برای نشان دادن گستره مضامین در پیکره متون به کار می رود. این اعداد نشان دهنده اهمیت علی یا میزان اثرگذاری اقناعی نیست؛ بلکه نشان می دهد کدام الگوهای معنایی در متون کدگذاری شده مکررتر ظاهر شده است و از ادعاهای تفسیری مقاله پشتیبانی تجربی فراهم می شود.

۱.۵. ازدست رفتن کنترل به منزله ناامنی سیاسی

نخستین یافته اصلی این است که عضویت در اتحادیه اروپا در کارزار برگزیت بارها

وضعیت «از دست رفتن کنترل» بازنمایی شد. این فقدان کنترل به قانونگذاری، مرزها، مهاجرت، پول عمومی و پاس‌خگویی دموکراتیک پیوند داده می‌شد. در نتیجه، کنترل فقط مسئله‌ای اداری یا حقوقی نبود، بلکه به شرطی برای عاملیت سیاسی تبدیل شد. بریتانیا زمانی می‌توانست خود را جامعه‌ای خودفرمان بداند که بر مرزها، قوانین، منابع مالی و تصمیم‌گیری سیاسی خود کنترل داشته باشد. این الگو در ادعای بوریس جانسون دیده می‌شود که اتحادیه اروپا را نهادی «دور»، «مبهم» و ناکافی از نظر پاس‌خگویی به مردم توصیف می‌کرد (Johnson, 2016). همچنین، پرتی پاتل با تأکید بر اینکه پارلمان باید در کشور حاکم باشد، کنترل را مستقیماً به مشروعیت دموکراتیک و حاکمیت پارلمانی پیوند می‌داد (BBC News, 2016). از منظر امنیت هستی‌شناختی، اهمیت این الگو در آن است که نقد نهادی به اضطرابی درباره تداوم، عاملیت و خودشناسی سیاسی تبدیل شد. با «بازپس‌گیری کنترل» در چنین زمینه‌ای وعده داده می‌شد که این بی‌ثباتی از طریق بازگشت اختیار تصمیم‌گیری به سطح ملی ترمیم شود.

۲.۵. حاکمیت مردم و خیانت نخبگان

دومین یافته اصلی، اخلاقی‌سازی حاکمیت از طریق چارچوب‌بندی پوپولیستی است. در متون تحلیل‌شده، حاکمیت فقط اصل قانون اساسی نبود، بلکه چیزی بازنمایی شد که به «مردم» تعلق دارد و نهادهای دور اتحادیه اروپا یا نخبگان داخلی آن را گرفته، واگذار کرده یا نادیده گرفته‌اند. در این چارچوب‌بندی، مسئله حاکمیت به روایتی از خیانت و طرد دموکراتیک تبدیل شد. منطق پوپولیستی این روایت روشن است: مردم منبع مشروع اقتدار هستند، اما نخبگان، بوروکراسی بروکسل، کارشناسان یا مقامات غیرمنتخب مانع تحقق اراده آنان شده‌اند. اشاره جانسون به «حق مردم برای تعیین اولویت‌های خود» همین ادعا را نشان می‌دهد (Johnson, 2016). زبان فاراژ نیز این منطق را تقویت می‌کرد، زیرا استقلال، مرزها و صدای دموکراتیک را به ضرورت بازگشت خودحکمرانی ملی پیوند می‌داد (Farage, 2016). بنابراین، برگزیت صرفاً تغییر سیاستی معرفی نشد؛ بلکه اصلاح بی‌عدالتی و بازگرداندن اقتدار مشروع مردم معنا یافت.

۳.۵. برگزیت روایت ترمیم

سومین یافته، پیوند خوردن کنترل، حاکمیت، هویت و خیانت در قالب روایتی

ترمیمی است. شعار «بازپس‌گیری کنترل» چند ادعا را در یک معنای سیاسی فشرده کرد: بریتانیا کنترل خود را از دست داده بود؛ این فقدان، پاس‌خگویی دموکراتیک و عاملیت ملی را تضعیف کرده بود؛ نخبگان و نهادهای اتحادیه اروپا مسئول این وضعیت بودند؛ و برگزیت می‌توانست اقتدار مردم را بازگرداند. ادعاهای اقتصادی بخشی از این روایت بود، اما به‌تنهایی بنیان اصلی آن را تشکیل نمی‌داد. بحث‌هایی درباره سهم مالی بریتانیا در اتحادیه اروپا، مقررات‌گذاری، تجارت و فشار مهاجرت زمانی قدرت پیدا کرد که به کنترل و انصاف پیوند خورد. پول به نشانه‌ای از مالکیت دموکراتیک، مرزها به نماد امنیت و عاملیت ملی، و قوانین به شاخصی برای سنجش خودحکمرانی مردم تبدیل شد. الگوی مشابهی در ارتباطات لیام فاکس دیده می‌شود؛ جایی که فرصت اقتصادی به خودمختاری سیاسی و توانایی اتخاذ تصمیم‌های مستقل تجاری و مقرراتی خارج از اتحادیه اروپا پیوند خورد (UK Chamber of Shipping, 2015).

جدول ۲. پیوندهای تحلیلی اصلی میان مضامین کدگذاری شده

پیوند تحلیلی	کدهای مرتبط	تفسیر
کنترل به‌مثابه عاملیت دموکراتیک	ازدست‌رفتن کنترل؛ ازدست‌رفتن حاکمیت حقوقی؛ حق تعیین سرنوشت ملی	عضویت در اتحادیه اروپا تضعیف‌کننده توان بریتانیا در حکمرانی بر خود چارچوب‌بندی شد.
حاکمیت به‌مثابه مالکیت مردم	حاکمیت مردم؛ «مردم واقعی» بریتانیا؛ حق تعیین سرنوشت ملی	حاکمیت امری متعلق به مردم، نه نهادهای دور از مردم، بازنمایی شد.
خیانت به‌مثابه توضیح اخلاقی	نخبگان فاسد/ دور از مردم؛ خیانت سیاسی؛ احساسات ضدنهادهای حاکم	ازدست‌رفتن کنترل نتیجه شکست یا فریب نخبگان اخلاقی‌سازی شد.
ناامنی به‌مثابه نیاز به ترمیم	روایت بحران؛ اضطراب آینده؛ چارچوب‌بندی تهدید؛ هویت در معرض تهدید	عضویت در اتحادیه اروپا به عدم قطعیت، اختلال و اضطراب پیوند خورد.
برگزیت به‌مثابه بازیابی	وعده بازیابی اقتصادی؛ استقلال سیاسی؛ حق تعیین سرنوشت ملی	برگزیت راهی برای بازگرداندن عاملیت، تداوم و خودحکمرانی دموکراتیک چارچوب‌بندی شد.

در مجموع، این پیوندهای تحلیلی نشان می‌دهد که شعار «بازپس‌گیری کنترل» چارچوبی اتصال‌دهنده عمل کرد؛ چارچوبی که نارضایتی‌های متفاوت را

در قالب روایتی ترمیمی از بازیابی دموکراتیک و ملی سازمان‌دهی کرد. قدرت این شعار در توانایی آن برای نشان‌دادن برگزیت نه صرفاً به‌منزله خروج از اتحادیه اروپا، بلکه به‌منزله بازیابی خویشتن سیاسی مختل شده بود.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله بررسی شد که شعار «بازپس‌گیری کنترل» در ارتباطات سیاسی نخبگان کارزار برگزیت، در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶م، چگونه روایتی از ترمیم امنیت هستی‌شناختی ساخت. در مقاله، این شعار نه صرفاً مطالبه‌ای ساده برای حاکمیت حقوقی و نه فقط نشانه‌ای از نارضایتی اقتصادی تبیین شد، بلکه نشان دادیم این شعار همچون چارچوبی اتصال‌دهنده عمل کرد؛ چارچوبی که ازدست‌رفتن کنترل، ناامنی هویتی، خیانت نخبگان، حاکمیت مردم و بازسازی دموکراتیک در قالب روایتی گسترده‌تر از بازیابی ملی سازمان‌دهی شد.

تحلیل نشان داد که کنترل در ارتباطات کارزار برگزیت شرطی برای عاملیت سیاسی و خودحکمرانی دموکراتیک چارچوب‌بندی شد. کنترل بر مرزها، قوانین، پول و تصمیم‌گیری فقط مطالبه‌ای نهادی نبود، بلکه به نشانه‌ای از توان بریتانیا برای بازشناسی خود به‌عنوان جامعه‌ای سیاسی و خودفرمان تبدیل شد. هم‌زمان، حاکمیت از طریق چارچوب‌بندی پوپولیستی اخلاقی‌سازی شد: حاکمیت به «مردم» تعلق داشت، اما نهادهای دور اتحادیه اروپا و نخبگان سیاسی داخلی آن را جابه‌جا کرده یا نادیده گرفته بودند.

سهم اصلی مقاله در این است که نشان می‌دهد شعار «بازپس‌گیری کنترل» به این دلیل فراتر از اقتصاد اثرگذار شد که دغدغه‌های مادی، نهادی، هویتی و عاطفی را در نماد سیاسی واحدی فشرده کرد. ادعاهای اقتصادی در کارزار مطرح بود، اما زمانی نیروی اقناعی پیدا کرد که به معانی گسترده‌تری مانند انصاف، حاکمیت و مالکیت دموکراتیک پیوند خورد. از این نظر، برگزیت نه انتخابی صرفاً اقتصادی یا قانون اساسی، بلکه وعده‌ای برای ترمیم خویشتن سیاسی مختل شده معنا یافت.

با این تفسیر نمی‌توان ادعا کرد ارتباطات کارزار به‌تنهایی نتیجه همه‌پرسی را رقم زد، همچنین نمی‌توان ارزیابی کرد که آیا وعده بازگرداندن کنترل پس از برگزیت از نظر نهادی تحقق‌پذیر بود. تمرکز مقاله بر این است که معانی چگونه در متون نخبگان کارزار برگزیت ساخته و سازمان‌دهی شد. در پژوهش‌های آینده

می‌توان این تحلیل را با مقایسه ارتباطات کارگزار خروج و کارزار ماندن گسترش داد، نحوه دریافت این روایت‌ها از منظر رأی‌دهندگان را بررسی کرد، یا تحول زبان «کنترل» را در سیاست بریتانیا پس از همه‌پرسی دنبال کرد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسنده در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسنده است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته است. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است. در نگارش نهایی مقاله، از ChatGPT Plus تنها برای ارتقا و ویرایش زبانی و کمک به ترجمه بخش‌هایی از متن استفاده شده است. مسئولیت علمی، تحلیل داده‌ها، صحت ارجاع‌ها و محتوای نهایی مقاله بر عهده نویسندگان است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه فریما نظری صفرزاده است با عنوان برگزیت، هویت و معنا سازی در ارتباطات سیاسی نخبگان؛ که در مقطع کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات بریتانیا، گروه مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر محمدرضا سعیدآبادی در سال ۱۴۰۵ تدوین و دفاع شده است.

پیوست

جدول پ ۱. خلاصه پیکره متون سیاسی

گوینده	نقش سیاسی / وابستگی سیاسی	تعداد متون	بازه زمانی	نوع متن
Boris Johnson	نماینده حزب محافظه‌کار؛ شهردار لندن؛ از چهره‌های برجسته کارزار برگزیت	۳	۲۰۱۶	سخنرانی‌های کارزار؛ مصاحبه‌های رسانه‌ای
Nigel Farage	رهبر UKIP	۳	۲۰۱۴-۲۰۱۶	گردهمایی‌ها؛ مصاحبه‌های رسانه‌ای
Michael Gove	نماینده حزب محافظه‌کار؛ وزیر کابینه؛ از چهره‌های برجسته کارزار برگزیت	۳	۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای؛ اظهارات عمومی
Priti Patel	نماینده حزب محافظه‌کار؛ طرفدار خروج	۳	۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای؛ رویدادهای کارزار
Chris Grayling	نماینده حزب محافظه‌کار؛ طرفدار خروج	۱	۲۰۱۴-۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای
Gisela Stuart	نماینده حزب کارگر؛ عضو کارزار خروج حزب کارگر	۴	۲۰۱۲-۲۰۱۶	سخنرانی‌های پارلمانی؛ مصاحبه‌های رسانه‌ای
Liam Fox	نماینده حزب محافظه‌کار؛ وزیر کابینه؛ طرفدار خروج	۳	۲۰۱۵-۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای؛ اظهارات عمومی
Iain Duncan Smith	نماینده حزب محافظه‌کار؛ طرفدار خروج	۳	۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای
Dominic Raab	نماینده حزب محافظه‌کار؛ طرفدار خروج	۳	۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای
Paul Nuttall	سیاستمدار UKIP	۳	۲۰۱۳-۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای
Douglas Carswell	نماینده محافظه‌کار / چهره مرتبط با UKIP و کارزار برگزیت	۴	۲۰۱۴-۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای؛ اظهارات عمومی
Kate Hoey	نماینده حزب کارگر؛ عضو کارزار خروج حزب کارگر	۳	۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای؛ سخنرانی‌های کمپین
Frank Field	نماینده حزب کارگر؛ عضو کارزار خروج حزب کارگر	۲	۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای
John Redwood	نماینده حزب محافظه‌کار؛ چهره بدبین به اتحادیه اروپا و طرفدار خروج	۳	۲۰۱۲-۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای؛ اظهارات عمومی
Daniel Hannan	نماینده محافظه‌کار پارلمان اروپا؛ طرفدار خروج	۴	۲۰۱۶	مصاحبه‌های رسانه‌ای؛ سخنرانی‌های کمپین

مجموع متون: ۴۵

یادداشت: پیکره متون بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد، نه نمونه‌گیری آماری. متن‌ها زمانی وارد پیکره شد که مستقیماً با اتحادیه اروپا، برگزیت، حاکمیت، هویت، مهاجرت، پاسخگویی دموکراتیک یا زبان «کنترل» مرتبط بود. پیکره شامل موارد زیر بود: سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و اظهارات عمومی چهره‌های برجسته کارزار برگزیت از طیف‌های محافظه‌کار، UKIP و کارزار خروج حزب کارگر. تعداد متون برای هر گوینده یکسان نیست، زیرا انتخاب متن‌ها بر اساس ارتباط با پرسش‌های پژوهش، قابلیت راستی‌آزمایی، و پوشش لحظات مهم پیش از همه‌پرسی انجام شده است.

جدول پ ۲. رمزنگاری فشرده استفاده‌شده در مقاله

مقوله تحلیلی	کدهای مرتبط	تعریف عملیاتی	شاخص‌های اصلی در متن‌ها
ناامنی هویتی	استثناگرایی بریتانیایی؛ هویت در معرض تهدید؛ تفاوت بریتانیا با اروپا؛ مرزبندی هویتی ما/ آن‌ها؛ محافظت‌گرایی فرهنگی	نشان می‌دهد هویت بریتانیایی چگونه در نسبت با عضویت در اتحادیه اروپا به عنوان هویتی متمایز، بی‌ثبات‌شده یا تهدیدشده ساخته شد.	ارجاع به بریتانیا در جایگاه کشوری منحصربه‌فرد، متفاوت، جهانی، از نظر تاریخی مستقل، از نظر فرهنگی دچار اختلال، یا در تقابل با اروپا و اقتدار خارجی
ناامنی هستی‌شناختی و اجتماعی	از دست رفتن کنترل؛ اضطراب آینده؛ روایت بحران؛ چارچوب‌بندی تهدید؛ فشار بر زندگی روزمره	نشان می‌دهد عضویت در اتحادیه اروپا چگونه منبع عدم قطعیت، اختلال، آسیب‌پذیری یا کاهش عاملیت چارچوب‌بندی شد.	زبان مربوط به از دست رفتن کنترل، بی‌ثباتی، بحران، فشار بر خدمات عمومی، عدم قطعیت آینده، تهدید امنیتی یا فشارهای اجتماعی روزمره
حاکمیت پوپولیستی	حاکمیت مردم؛ «مردم واقعی» بریتانیا؛ حق تعیین سرنوشت ملی	نشان می‌دهد حاکمیت چگونه امری متعلق به مردم و نیازمند بازیابی دموکراتیک بازنمایی شد.	ارجاع به مردم عادی، اراده عمومی، صدای دموکراتیک، حق مردم برای تصمیم‌گیری، و خودحکمرانی ملی
خیانت نخبگان	نخبگان فاسد/ دور از مردم؛ خیانت سیاسی؛ احساسات ضد نهادهای حاکم؛ احساسات ضد کارشناسی	نشان می‌دهد مسئولیت از دست رفتن کنترل چگونه به نهادهای اتحادیه اروپا، نخبگان داخلی، کارشناسان یا اقتدارهای دور از مردم نسبت داده شد.	ارجاع به بوروکراسی بروکسل، مقامات غیرمنتخب، وعده‌های شکسته‌شده، فریب، فاصله نخبگان، غرور کارشناسان یا طرد دموکراتیک

مقوله تحلیلی	کدهای مرتبط	تعریف عملیاتی	شاخص‌های اصلی در متن‌ها
حاکمیت و کنترل	از دست رفتن حاکمیت حقوقی؛ استقلال سیاسی؛ حاکمیت اقتصادی؛ کنترل مرزها/ حاکمیت سرزمینی؛ حق تعیین سرنوشت ملی	نشان می‌دهد کنترل چگونه به قانونگذاری، مرزها، پول، مقررات و خودمختاری سیاسی پیوند خورد.	ارجاع به دادگاه‌های خارجی، قوانین تحمل شده، کنترل مرزها، کنترل پول، سیاست تجاری، حاکمیت پارلمان و تصمیم‌گیری مستقل
اتحادیه اروپا به عنوان «دیگری»	اتحادیه اروپا به عنوان نهادی غیردموکراتیک؛ بهره‌کش اقتصادی؛ از نظر فرهنگی بیگانه؛ تهدید امنیتی؛ ناکارآمد/آشفته	نشان می‌دهد اتحادیه اروپا چگونه موجودیتی خارجی، نامشروع، ناکارآمد، تهدیدزا یا ناسازگار با خودحکمرانی بریتانیا بازنمایی شد.	ارجاع به بروکسل به عنوان نهادی دور، بوروکراتیک، پاسخ‌ناپذیر، زیانبار از نظر اقتصادی، آشفته، ناسازگار از نظر فرهنگی یا خطرناک
نارضایتی اقتصادی و بازیبی	هزینه عضویت در اتحادیه اروپا؛ فشار مهاجرت بر اقتصاد؛ تخصیص نادرست منابع؛ وعده بازیبی اقتصادی	نشان می‌دهد ادعاهای اقتصادی چگونه از طریق انصاف، بازتوزیع و بازیبی به طور نمادین چارچوب‌بندی شد.	ارجاع به سهم مالی بریتانیا در اتحادیه اروپا، هزینه‌های عمومی، فشار بر دستمزدها/ خدمات، بار مقرراتی، فرصت‌های تجاری یا رشد آینده پس از برگزیت
نوستالژی و سیاست حافظه	نوستالژی عصر طلایی؛ استثناگرایی تاریخی؛ از دست رفتن عظمت تاریخی	نشان می‌دهد ارجاع‌های گزینشی به گذشته بریتانیا چگونه برای مشروعیت‌بخشی به برگزیت بازیبی، و نه گسست، به کار رفت.	ارجاع به عظمت گذشته، استقلال تاریخی، سنت پارلمانی، لحظات دموکراتیک پیشین یا افول نسبت به مسیر تاریخی ملت

یادداشت: در این کتابچه کد فشرده، خانواده‌های کدی و زیرکدهایی گزارش شده است که بیشترین ارتباط را با استدلال اصلی مقاله دارد. در پژوهش گسترده‌تر در پایان‌نامه از کتابچه کد تفصیلی‌تری استفاده شد، شامل تعریف‌های عملیاتی، معیارهای ورود و خروج، فراوانی کدها، الگوهای هم‌رخدادی و توزیع کدها بر اساس گوینده.

منابع

- Agnew J. (2020). "Taking back control? The myth of territorial sovereignty and the Brexit fiasco". *Territory, Politics, Governance*. 8(2): 259-272. <https://doi.org/10.1080/21622671.2019.1687327>.
- Anderson B. (1983). *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. Verso.
- BBC News. (2016). "Priti Patel: Government is focused on delivering Brexit". October 16. <https://www.youtube.com/watch?v=Q2vcVNTsKeM>.
- Becker SO, Fetzer T, Novy D. (2017). "Who voted for Brexit? A comprehensive district-level analysis". *Economic Policy*. 32(92): 601-650. <https://doi.org/10.1093/epolic/eix012>.
- Berger PL, Luckmann T. (1966). *The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge*. Anchor Books.
- Blaikie N. (2010). *Designing Social Research*. 2nd ed. Polity Press.
- Born B, Müller GJ, Schularick M, Sedláček P. (2019). "The costs of economic nationalism: Evidence from the Brexit experiment". *The Economic Journal*. 129(623): 2722-2744. <https://doi.org/10.1093/ej/uez020>.
- Colantone I, Stanig P. (2018). "The trade origins of economic nationalism: Import competition and the 2016 U.S. presidential election". *American Journal of Political Science*. 62(4): 936-953. <https://doi.org/10.1111/ajps.12358>.
- Daddow O. (2015). "Interpreting the outsider tradition in British European policy speeches from Thatcher to Cameron". *Journal of Common Market Studies*. 53(1): 71-88. <https://doi.org/10.1111/jcms.12204>.
- Eatwell R, Goodwin M. (2018). *National Populism: The Revolt against Liberal Democracy*. Pelican.
- Evans G, Menon A. (2017). *Brexit and British Politics*. Polity Press.
- Ewing KD. (2017). "Brexit and parliamentary sovereignty". *The Modern Law Review*. 80(4): 711-726. <https://doi.org/10.1111/1468-2230.12281>.
- Farage N. (2016). "Nigel Farage tells MEPs: Most of you have never done a proper job video". *The Guardian*. June 28. <https://www.theguardian.com/politics/video/2016/jun/28/nigel-farage-full-speech-to-meps-most-of-you-have-never-done-a-proper-job-video>.
- Giddens A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Polity Press.
- Gordon M. (2016). "The UK's sovereignty situation: Brexit, bewilderment and beyond ...". *King's Law Journal*. 27(3): 333-343. <https://doi.org/10.1080/09615768.2016.1250465>.
- Hobolt SB. (2016). "The Brexit vote: A divided nation, a divided continent". *Journal of European Public Policy*. 23(9): 1259-1277. <https://doi.org/10.1080/13501763.2016.1225785>.
- Hobolt SB, Leeper TJ, Tilley J. (2021). "Divided by the vote: Affective polarization in the wake of the Brexit referendum". *British Journal of Political Science*. 51(4): 1476-1493. <https://doi.org/10.1017/S0007123420000125>.
- Igwe PA. (2022). "The paradox of Brexit and the consequences of taking back control". *Societies*. 12(2): 69. <https://doi.org/10.3390/soc12020069>.
- Inglehart R, Norris P. (2016). *Trump, Brexit, and the Rise of Populism: Economic Have-Nots and Cultural Backlash*. Harvard Kennedy School Faculty Research Working Paper Series, RWP16-026.
- Johnson B. (2016). "Boris Johnson's speech on the EU referendum". *ConservativeHome*. May 9. <https://conservativehome.com/2016/05/09/boris-johnsons-speech-on-the-eu-referendum-full-text/>.
- Keating M. (2021). "Taking back control? Brexit and the territorial constitution of the United Kingdom". Robert Schuman Centre for Advanced Studies Research Paper No. RSCAS 2021/28. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3821636>.

- Kinnvall C. (2018). "Ontological insecurities and postcolonial imaginaries: The emotional appeal of populism". *Humanity & Society*. 42(4): 523-543. <https://doi.org/10.1177/0160597618802646>.
- Mitzen J. (2006). "Ontological security in world politics: State identity and the security dilemma". *European Journal of International Relations*. 12(3): 341-370. <https://doi.org/10.1177/1354066106067346>.
- Mudde C. (2004). "The populist Zeitgeist". *Government and Opposition*. 39(4): 541-563. <https://doi.org/10.1111/j.1477-7053.2004.00135.x>.
- Onuf NG. (1989). *World of our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations*. University of South Carolina Press.
- Schütze R. (2020). "Britain in the European Union: A very short history". *Common Market Law Review*. 57(4): 1063-1085. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.13063>.
- Smith AD. (1998). *Nationalism and Modernism: A Critical Survey of Recent Theories of Nations and Nationalism*. Routledge.
- Sobolewska M, Ford R. (2020). *Brexitland: Identity, Diversity and the Reshaping of British Politics*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108562485>.
- Suckert L. (2023). "Economic nostalgia: The salience of economic identity for the Brexit campaign". *Socio-Economic Review*. 21(3): 1721-1750. <https://doi.org/10.1093/ser/mwac037>.
- Taggart P, Szczerbiak A. (2018). *The Routledge Handbook of Euroscepticism*. Routledge.
- UK Chamber of Shipping. (2015). "Brexit: A threat or an opportunity for British business?". Rt Hon Dr Liam Fox. September 11. <https://www.youtube.com/watch?v=V32yP1ADl00>.
- Wendt A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge University Press.
- (1992). "Anarchy is what states make of it: The social construction of power politics". *International Organization*. 46(2): 391-425. <http://www.jstor.org/stable/2706858>.